

موانع پیشرفت معنوی از دیدگاه صحیفه سجّادیه

علی انجم شعاع^۱

چکیده

رشد انسان و تکامل او به‌ویژه در دنیای کنونی، نیازمند برنامه است. شایسته است که در این برنامه افزون بر یادکرد نیازها و روش رسیدن به آن، موانع و محدودیت‌ها نیز ذکر شود. پژوهش کنونی بخشی از این موانع را در صحیفه سجّادیه شناسایی می‌کند. شناخت موانع معنوی رشد، تلاشی برای رسیدن به الگوی سبک زندگی اسلامی است. تبیین نگرش اهل بیت علیهم‌السلام به موضوع پیشرفت و زمینه‌سازی برای استواری پایه‌های رشد جامعه از بهره‌های این تحقیق خواهد بود. تاکنون نگاشته‌ای که به تبیین موانع پیشرفت معنوی انسان از دیدگاه صحیفه سجّادیه بپردازد، دیده نشد. نگاشته کنونی که می‌توان آن را «موانع پیشرفت اخلاقی ...» نیز نامید، فهرستی از موانع را در ده بخش ارائه می‌کند.^۲

واژگان کلیدی

امام سجّاد علیه‌السلام، رشد معنوی، تأثیر گناه، دعا، معارف قرآن و حدیث

درآمد

دعا، راهی برای رویارویی با شیطان و نزدیک شدن به خداست. صحیفه سجّادیه کتابی است صادرشده از معصوم و در بر دارنده دعاهایی با موضوعات گوناگون. با دعاهای صحیفه می‌توان راه عرفان و

۱. (a.a.shoa@gmail.com)

۲. پایان‌نامه‌ای با عنوان «موانع پیشرفت انسان از منظر صحیفه سجّادیه و تطبیق آن با آیات قرآن» به قلم نگارنده و با راهنمایی جناب استاد محمد علی مجد فقیهی و مشاوره حجت الاسلام و المسلمین شهاب الدین مشایخی در سال ۱۳۹۶ دفاع شد. مقاله کنونی برگرفته از این پایان‌نامه است.

معنویت را پیمود و از محتوای آن برای برنامه هدایت و کمال بهره گرفت. با پیاده‌سازی معارف این کتاب در سطح اجتماعی می‌توان سبک زندگی اسلامی را رواج داد. این منبع هدایت، گزاره‌هایی را به عنوان مانع رشد انسان معرفی کرده که در دو دسته مادی و معنوی قابل تقسیم است. در این نگاشته، موانع پیشرفت معنوی شناسایی می‌شود. همچنین با مرور مباحث این نگاشته می‌توان به بخشی از نگاه اهل بیت (علیهم‌السلام) در موضوع پیشرفت و موانع آن دست یافت. گسترش موانع پیشرفت معنوی انسان در جهان امروز پرداختن به موضوعاتی از این دست را ضروری می‌سازد.

روش این تحقیق، کتاب‌خانه‌ای بوده و از متن صحیفه کامله مشهوره بهره برده است. پژوهشگر کوشیده پس از مطالعه چندباره این کتاب و گردآوری داده‌های لفظی و معنایی، گزاره‌های مرتبط را در سازمانی فهرستی به سامان برساند. قصد پژوهشگر بر گردآوری همه موانع پیشرفت معنوی بوده؛ ولی ممکن است با نگاهی دیگر بر محورهای این فهرست افزوده شود. نگاه این پژوهش، گردآوری داده‌های سلبی بوده؛ زیرا هر چیزی که امام (علیه‌السلام) دفع و رفع آن را از خدا بخواهد، امری زیان‌بار است و مانع رشد آدمی. تحقیق کنونی به دنبال «مانع پیشرفت معنوی» است نه «مانع معنوی پیشرفت». پژوهنده بدون در نظر گرفتن جنس مانع از جهت مادی یا معنوی بودن، به دنبال اثر آن است که در کدام‌یک از دو حوزه مادی یا معنوی قرار می‌گیرد. گاهی جنس مانعی مادی است ولی اثر غالب یا شناخته شده آن بر جنبه معنوی زندگی انسان است و گاهی جنس مانع، معنوی است ولی تأثیر روشن آن بر جنبه‌های مادی زندگی است. مثلاً «خودپسندی» موضوعی مادی است که اغلب از توان‌گری افراد ناشی می‌شود؛ اما مانعی برای پیشرفت معنوی به حساب می‌آید. از سوی دیگر «آزار پدر و مادر»

۳. مهدی رستم نژاد، مجله قرآن و علم، ش ۱۵.
 ۴. سید محمد رضا علاء الدین، مجله کوثر، ش ۴۴.
 ۵. محسن قاسم پور، مجله پژوهش دینی، ش ۱۵.
 ۶. الهه سلیم زاده و محمد حسین توانایی، مجله مطالعات قرآنی، ش ۱۸.

موضوعی ملامی است که مانعی معنوی و نیز ملامی برای پیشرفت است. چنین موضوعاتی به جهت مانعیت معنوی در این مقاله منعکس شده است. به دلیل فراوانی گزاره‌ها در هر محور، این مقاله همه داده‌های موجود از صحیفه را مطرح نمی‌کند بلکه در هر محور تنها به یادکرد چند گزاره اکتفا می‌نماید. ملاک چینش عناوین، کمیت گزاره‌های مربوط در صحیفه سجّادیه است.

وجود این معارف در دعا‌های امام سجّاد علیه السلام بدین معنا نیست که ایشان دچار موانعی مانند گناه یا غفلت شده بودند؛ بلکه چنین سخنی خلاف عقاید قطعی شیعه بوده و در جای خود، عصمت ائمه علیهم السلام ثابت شده است. ارائه این معارف از ناحیه امامان برای آموزش چگونگی رویارویی با این دست از موانع بوده و نیز زمینه‌ای برای بالارفتن درجات ایشان است.

۱. گناه

گناه بزرگ‌ترین مانع پیشرفت معنوی است. در صحیفه سجّادیه واژگان «فواحش»، «اثم»، «ذنب»، «بغی» و ... برای این مانع به کار رفته است.^۷ گناه، باعث سرافکندگی در پیش‌گاه الهی، کوتاهی عمر، کم‌شدن روزی، مستجاب‌نشدن دعا، مرگ همراه با خواری و بی‌برکتی زندگی^۸ بوده و رشد فرد و جامعه را متوقّف می‌کند. در صحیفه سجّادیه فرازهای بسیاری به این موضوع اختصاص یافته است؛^۹ مانند:

وَ أَجْرِلْ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ وَ أَخْلِنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ.^{۱۰}

خداوندا، بهره ما را از خوبی‌ها در آن (روز و شب) سرشار کن و ما را در این روز از زشتی‌ها پیراسته نما.

امام سجّاد علیه السلام در دعای شب و روز از پروردگار می‌خواهد تا بندگان را از ارتکاب گناهان خرد و کلان مصون بدارد:

وَ اعْصِمْنَا مِنْ ... ارْتِكَابِ جَرِيرَةٍ أَوْ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ.^{۱۱}

ما را ... از ارتکاب گناه، یا کسب معصیت کوچک و بزرگ حفظ فرما.

۷. این واژگان، خود، دارای تفاوت‌ها و ظرافت‌های معنایی هستند؛ ولی قدر مشترک معنوی آنها رفتاری است که مورد غضب خدا و زیان انسان قرار گیرد.

۸. ن. که سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴.

۹. ن. که دعا‌های ۳۱، ۳۲ و ۳۴.

۱۰. الصّحيفة السّجّادية، دعای ۶، ص ۵۰.

۱۱. همان.

ایشان دوری از همه گناهان به ویژه گناهان کبیره را از خدا خواسته و به او پناه می‌برد:

وَهَبْ لِي عِصْمَةً تُدْنِينِي مِنْ خَشْيَتِكَ وَ تَقْطَعُنِي عَنْ رُكُوبِ
مَحَارِمِكَ وَ تُفَكِّنِي مِنْ أَسْرِ الْعِظَائِمِ.^{۱۲}

و به من مقام عصمتی عنایت کن که به خشیت تو نزدیک و از ارتکاب
محرمات تو جدایم سازد و از اسارت گناهان کبیره رهاییم دهد.

امام زین العابدین علیه السلام از حقیردانستن گناهان به آفریدگار پناه برده‌اند:

وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ السَّرِيرَةِ وَ احْتِقَارِ الصَّغِيرَةِ.^{۱۳}

بارخدایا، به تو پناه می‌بریم از بدی باطن و حقیرشمردن گناهان خرد.

امام سجّاد علیه السلام از خدا درخواست می‌کند که انسان را از گناهان پیش رو در امان دارد:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ احْضُرْنِي عَنِ الذُّنُوبِ وَ وَرِّعْنِي
عَنِ الْمَحَارِمِ وَ لَا تُجَرِّئْنِي عَلَى الْمَعَاصِي.^{۱۴}

بارخدایا بر محمد و آلش درود فرست و مرا از معصیت بازدار و از آنچه
حرام است پرهیزم ده و مرا بر گناهان جرأت مده.

سید العابدین علیه السلام از خداوند، پاکی از آلودگی و پلیدی گناه را درخواست می‌کند:

هَبْ لِي التَّطْهِيرَ مِنْ دَنَسِ الْعِصْيَانِ وَ اذْهَبْ عَنِّي دَرَنَ الْخَطَايَا.^{۱۵}

و مرا از آلودگی گناه پاک کن و پلیدی خطاها را از من ببر.

امام علیه السلام با اشاره به حرص انسان برای گناه، از خدا می‌خواهد تا این حرص را بزدايد:

۱۲. همان، دعای ۴۷، ص ۲۲۶.

۱۳. همان، دعای ۸، ص ۵۶.

۱۴. همان، دعای ۲۲، ص ۱۰۸.

۱۵. همان، دعای ۴۷، ص ۲۲۶.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْسِرْ شَهْوَتِي عَنْ كُلِّ مُحْرَمٍ وَازْوِ
حِرْصِي عَنْ كُلِّ مَأْتَمٍ.^{۱۶}

و چنان بارالها بر محمد و آلش درود فرست و شهوتم را از هر حرامی در هم
شکن و میل شدید مرا از هر معصیتی بگردان.

ایشان از پروردگار نیروی ترک معصیت و در برابر آن، توانایی بر طاعت را مسألت می‌کند:

وَالْقُوَّةَ عَلَىٰ مَا أَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ وَالْإِجْتِنَابَ لِمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ
مِنْ مَعْصِيَتِكَ.^{۱۷}

(بر من منت گذار به) توان و قدرت بر انجام طاعتی که مرا به آن فرمان
داده‌ای و اجتناب از نافرمانی‌ات که مرا از آن بر حذر داشته‌ای.

ایشان گناه نکردن را برای بندگی خدا کافی ندانسته و از خداوند، انزجار قلبی از معصیت را درخواست
می‌کند:

وَأَشْعِرْ قَلْبِي الْإِزْجَارَ عَنْ قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ وَفَوَاضِحِ الْحَوْبَاتِ.^{۱۸}
(بار خدایا) و نفرت از زشتی گناه و رسوایی معصیت را در قلمم جای ده.

امام سجاده^(علیه السلام) از اصرار بر گناه و کوچک شمردن آن نیز به خدا پناه می‌برند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ... الْإِصْرَارِ عَلَى الْمَأْتَمِ وَاسْتِصْغَارِ
الْمَعْصِيَةِ وَاسْتِكْبَارِ الطَّاعَةِ.^{۱۹}

(خدایا به تو پناه می‌برم از) پافشاری بر گناه و کوچک شمردن معصیت و
بزرگ شمردن طاعت.

ایشان از معبود می‌خواهد تا بندگان را از اصرار بر رفتار زشت باز دارد:

وَازْلِنَا عَنْ مَكْرُوهِكَ مِنَ الْإِصْرَارِ.^{۲۰}

(ما را) از پافشاری بر آنچه نمی‌پسندی دور ساز.

«گناه» یکی از مهم‌ترین علل شکست در عرصه معنویت است. صحیفه سجاده به این موضوع
اهمیت ویژه‌ای داده و در فرازهای فراوانی از پروردگار می‌خواهد تا انسان را از آلوده شدن به گناه حفظ

۱۶. همان، دعای ۳۹، ص ۱۶۸.

۱۷. همان، دعای ۲۳، ص ۱۱۲.

۱۸. همان، دعای ۴۷، ص ۲۳۶.

۱۹. همان، دعای ۸، ص ۵۶.

۲۰. همان، دعای ۹، ص ۵۸.

کند. ایشان حرص بر گناه را زبان بار شمرده و پاکی از پلیدی معصیت را از خداوند درخواست می‌کند. طبق فرمایش امام سجّاد علیه السلام لازم است بندگان افزون بر ترک گناه، از آن انزجار قلبی داشته باشند. گناهان به دو دسته کبیره و صغیره تقسیم می‌شوند و صحیفه سجّادیه هر دو را مانع رشد می‌داند. امام علیه السلام از کوچک‌شمردن گناه و اصرار ورزیدن بر آن به آفریدگار پناه برده‌اند.

۲. ترک توبه

«توبه» جبران گناه است و در زندگی معنوی، حرکتی نو ایجاد می‌کند. صحیفه سجّادیه در راه پیشرفت معنوی، فرازهایی را به این نیاز آدمی اختصاص داده است.^{۲۱}

با اینکه خداوند فرصت بازگشت از گناه را در اختیار انسان قرار داده، برخی به جهت غفلت و یا عداوت، از توبه سر باز زده و به گناه خویش ادامه می‌دهند. «ترک توبه» یکی دیگر از موانع رشد است که پیامدهایی همچون عذاب و استدراج را به دنبال دارد.

امام سجّاد علیه السلام تصریح کرده‌اند که اگر گناه کار، با وجود امکان توبه، طلب غفران نکند، پس از آن عذری نخواهد داشت:

فَمَا عُدْرٌ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِكَ السَّمْتِزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامَةِ
الدَّلِيلِ؟^{۲۲}

پس عذر کسی که از ورود به آن خانه غفلت کند پس از گشوده‌شدن در و
پیدا شدن راهنما چه خواهد بود؟

صحیفه سجّادیه با اشاره به آیه‌ای از قرآن، توبه را دری به سوی عفو از گناهان شمرده است:

أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَابًا إِلَى عَفْوِكَ وَ سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ وَ جَعَلْتَ
عَلَى ذَلِكَ الْبَابِ دَلِيلًا مِنْ وَحْيِكَ لِأَلَّا يَضِلُّوا عَنْهُ، فَقُلْتَ تَبَارَكَ

۲۱. ن. کن همان، دعای ۱۲، ۲۸، ۳۱، ۳۲ و ۴۷.

۲۲. همان، دعای ۴۵، ص ۱۹۴.

اسْمُكُمْ: «توبوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ

سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» ۲۴. ۳۳

توبی که بر بندگان در به سوی بخشش خود باز کرده‌ای و آن را باب توبه نامیده‌ای و بر آن در گشوده راهنمایی از وحی خود قرار داده‌ای تا آن را گم نکنند، پس خود که نامت والا و مبارک است فرمودی: «به سوی خدا توبه خالص و بی‌پیرایه آورید، باشد که پروردگارتان گناهان شما را محو کند و شما را داخل بهشت‌هایی نماید که نهرها از زیر آن روان است.

امام زین العابدین علیه السلام از پروردگار می‌خواهد تا توفیق توبه را نصیب بندگان نماید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَيِّرْنَا إِلَىٰ مَحْبُوبِكَ مِنَ التَّوْبَةِ. ۲۵

بارالها بر محمد و آتش درود فرست و ما را به سرمزله توبه که محبوب توست برسان.

صحبیه سجاده نجات انسان را تنها از راه عفو الهی دانسته و تأکید می‌کند که اگر بخشش خداوند، بنده را در بر نگیرد، امیدی برای نجات او نیست:

لَا نَجَاةَ لِأَحَدٍ مِّنَّا دُونَ عَفْوِكَ. ۲۶

بدون عفو برای هیچ‌یک از ما آزادی میسر نیست.

امام علیه السلام خدا را پوشاننده عیوب بندگان دانسته و تأخیر در عذاب و رسوا نکردن گناه کار را از مهلت‌هایی می‌شمرد که خداوند به بندگان می‌دهد:

فَكُنَّا قَدْ اقْتَرَفَ الْعَايِبَةَ فَلَمْ نَشْهَرْهُ وَارْتَكَبَ الْفَاحِشَةَ فَلَمْ تَفْضَحْهُ

وَ تَسْتَرَّ بِالْمَسَاوِي فَلَمْ تَدُلَّ عَلَيْهِ. ۲۷

زیرا هر کدام از ما به ارتکاب زشتی‌ها برخاسته و رسوایش ننمودی و به اعمال ناروا دست زده و او را مفتضح نکردی و در پنهانی، بدی‌ها مرتکب شده و تو سیرش را فاش ننمودی.

۲۳. التَّحْرِيم، ۸

۲۴. همان.

۲۵. همان، دعای ۹، ص ۵۸.

۲۶. همان، دعای ۱۰، ص ۶۰.

۲۷. همان، دعای ۳۴، ص ۱۵۶.

سید العابدین علیه السلام این همه فرصت و اغماض برای پشیمانی انسان و برگشت به سوی خدا می‌داند:

يَا إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ فَكَمْ مِنْ عَائِبَةٍ سَتَرْتَهَا عَلَيَّ فَلَمْ تَفْضَحْنِي وَ
كَمْ مِنْ ذَنْبٍ غَطَّيْتَهُ عَلَيَّ فَلَمْ تَشْهَرْنِي وَ كَمْ مِنْ شَائِبَةٍ أَلَمَمْتُ بِهَا
فَلَمْ تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَهَا وَ لَمْ تُقْلِدْنِي مَكْرُوهَ سَنَارِهَا وَ لَمْ تُبَدِّ سَوَاتِهَا
لِمَنْ يَلْتَمِسُ مَعَايِبِي مِنْ جِيرَتِي وَ حَسَدَةَ نِعَمَتِكَ عِنْدِي ثُمَّ لَمْ
يَنْهَنِي ذَلِكَ عَنْ أَنْ جَرَيْتُ إِلَى سُوءٍ مَا عَهَدْتَ مِنِّي.^{۲۸}

ای خدای من، سپاس تو را، چه بسا عیب‌ها که بر من پوشاندی و مرا به میدان افتضاح و رسوایی نکشاندی و بسا گناهان مرا که مستور داشتی و به آنم مشهور نمودی و بسا بدی‌ها و پلیدی‌های من که پرده آنها ندریدی و حلقه ننگ آن زشتی‌ها بر گردنم نیفکندی و زشتی‌های گناهم را نزد همسایگانی که در پی عیوب من اند و حسودانی که خواهان زوال نعمت از من اند آشکار نمودی.

امام سجاده علیه السلام در جای‌جای صحیفه سجادیه به موضوع گناه اشاره و از پروردگار طلب بخشش و مغفرت کرده‌اند.^{۲۹} ایشان توبه را راهی برای بخشش گناهان دانسته و افزون بر درخواست توفیق استغفار، از غفلت در توبه به خدا پناه می‌برند؛ زیرا نجات را تنها در عفو پروردگار می‌دانند. صحیفه سجادیه تأخیر در عذاب و رسوان‌کردن گنه‌کار را مهلت پروردگار به انسان‌ها برای توبه کردن دانسته‌اند.

۳. ناامیدی از خدا

گذشت که گناه، عامل رکود معنوی انسان بوده و توبه، پاک‌کننده آن است. کسانی که خود را به خاطر رفتار پلید، بازخواست می‌کنند، «امید» به اصلاح و رحمت پروردگار دارند.^{۳۰} در برابر، برخی چنان دچار ناامیدی از درگاه الهی هستند که به دنبال جبران کارهای ناشایست خود نمی‌روند. این

۲۸. همان، دعای ۱۶، ص ۸۰

۲۹. ن. کنه همان، دعای ۱۳، ۲۲، ۳۰، ۳۷، ۳۹، ۴۶، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۳ و ۵۴.

۳۰. همان، دعای ۱۶، ص ۸۲. وَ إِنَّمَا أَوْبِحُ بِهَلْنَا نَفْسِي طَمَعًا فِي رَأْفَتِكَ الَّتِي بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ رَجَاءُ لِرَحْمَتِكَ الَّتِي بِهَا فَكَأَنَّ رِقَابَ الْخَاطِئِينَ.

حالت موجب فرورفتن بیشتر در گرداب گناه، بوده و راه پیشرفت را می‌بندد. امید به خدا به معنی گمان نیکوداشتن به پروردگار، اعتماد به رحمت او و انتظار اجابت است.^{۳۱}

صحیفه سجّادیه با اشاره به این موضوع، تبعات یأس از خدا را خواری و سرخوردگی می‌داند:

وَ الْحَيِّةُ الْخَاذِلَةُ لِمَنْ خَابَ مِنْكَ وَ الشَّقَاءُ الْأَشْقَى لِمَنْ اغْتَرَّ بِكَ.^{۳۲}

و نومی‌دی ذلت‌بار از آن کسی است که از تو نومید گشته و بدترین تیره‌بختی‌ها برای کسی است که به تو مغرور شده.

«خبیة» به معنای محرومیت و خسران است و «خائبون»^{۳۳} کسانی‌اند که نتوانستند به مطلوب برسند.^{۳۴} انسانی که از درگاه پروردگار مأیوس شود، به شقاوت نزدیک و از فضل و نعمت او محروم می‌شود:

لَا تَقْطَعُ رَجَاءَنَا بِمَنْعِكَ، فَتَكُونَ قَدْ أَشَقَيْتَ مَنْ اسْتَسَعَدَّ بِكَ وَ حَرَمْتَ مَنْ اسْتَرْفَدَ فَضْلَكَ، فَلِئْلِ مَنْ حِينِيذٍ مُنْقَلَبْنَا عَنْكَ وَ إِلَى آيِنٍ مَذْهَبْنَا عَنْ بَابِكَ.^{۳۵}

رشته امید ما را با منع کردن لطفت قطع مکن که اگر چنین کنی، کسی را که از رحمت نیک‌بختی خواسته بدبخت کرده‌ای و آن را که از فضلت عطا خواسته محروم نموده‌ای. در این حال از پیشگاهت به‌سوی چه کسی رو کنیم؟ و از در رحمتت به کجا رویم؟

شایسته است که انسان همواره از خداوند بخواهد که او را از خود، نومید نگرداند:

وَ لَا تَحْرِمْنِي بِالْحَيِّةِ مِنْكَ.^{۳۶}

به نومی‌دی از خود محروم منما.

۳۱. همان، دعای ۴۷، ص ۲۲۲: ثُمَّ اتَّبَعْتُ ذَلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ وَ التَّذَلُّلِ وَ الْإِسْتِكَانَةِ لَكَ وَ حُسْنِ الظَّنِّ بِكَ وَ التَّقَرُّبِ بِمَا عِنْدَكَ وَ شَفَعْتُهُ بِرَجَائِكَ الَّذِي قَلَّ مَا يَجِيْبُ عَلَيْهِ رَاجِيًا.

۳۲. همان، دعای ۴۶، ص ۲۰۸.

۳۳. واژگان «یأس»، «قنوط» و «خبیة» به معنای قطع امید است؛ اما هر یک، معنایی ویژه خود نیز دارد. یأس در برابر امید است. قنوط ناامیدی است و بسیار شدیدتر از یأس. خبیة ناامیدی است که بعد از نرسیدن به آرزو به وجود می‌آید. (ن. کد الفروق فی اللغة، ص ۲۴۰)

۳۴. ن. کد مجمع البحرین، ج ۲، ص ۵۳؛ تاج العروس، ج ۱، ص ۴۷۶.

۳۵. الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ، دعای ۱۰، ص ۶۰.

۳۶. همان، دعای ۴۱، ص ۱۷۴.

امام سجاده علیه السلام در دعایی دیگر، به پیشگاه الهی عرضه می‌دارد:

و لَا تُؤَيِّسُنِي مِنَ الْأَمَلِ فِيكَ فَيَغْلِبَ عَلَيَّ الْقَنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ. ۳۷

و از امید به خودت ناامیدم مکن به طوری که یأس از رحمتت بر من غالب گردد.

یأس یکی از لغزش‌گاه‌های نابودی است و دوری از آن، مطلوب امام علیه السلام:

اللَّهُمَّ لَا تَفْتِنَنِي بِالْقُنُوطِ مِنْ أَنْصَافِكَ. ۳۸

بارخدایا مرا به ناامیدی از انصاف خود آزمایش مکن.

دعا برای جلب رحمت الهی، کاری نیکوست و یأس از اجابت دعا، حالتی شایسته نیست؛ حتی اگر رسیدن به حاجت با تأخیر مواجه شود:

لَا تَجْعَلْنِي ... آيِسًا مِنْ اجَابَتِكَ لِي وَإِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّي. ۳۹

و از اجابت دعایم گرچه به تأخیر افتد نومیدم مکن.

«ناامیدی» از خدا، توقف پیشرفت در عرصه معنوی را به دنبال دارد. امام سجاده علیه السلام از پروردگار می‌خواهد تا امیدش نسبت به ذات باری تعالی از بین نرود؛ چراکه ناامیدی از او موجب خواری، سرخوردگی، محرومیت، نابودی و نیازمندی به غیر است. ایشان دفع فتنه نومیدی را از درگاه الهی درخواست می‌کند.

۴. مخالفت با فرستادگان الهی

«پیروی نکردن از پیامبر و امام علیه السلام» مانع دیگری برای پیشرفت معنوی انسان است. فرستادگان الهی برای هدایت بشر نازل شده‌اند و مخالفت با آنها به معنای نپذیرفتن هدایت خداوند در راه رشد و کمال است.^{۴۰}

۳۷. همان، دعای ۴۷، ص ۲۲۶.

۳۸. همان، دعای ۱۴، ص ۷۴.

۳۹. همان، دعای ۴۷، ص ۱۰۴.

۴۰. ن. کذ همان، دعای ۸، ص ۵۶.

صحیفه سجّادیه دشمنی با انبیا و اوصیاء علیهم السلام را کاری زشت دانسته^{۴۱} و امام سجّاد علیه السلام از آسیب مخالفان و دشمنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، به خدا پناه می‌برد:

وَاعْذِنِي وَذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَمِنْ شَرِّ ... كُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِكَ وَ لِأَهْلِ بَيْتِهِ حَرْبًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ.^{۴۲}

ای خداوند، مرا و ذریه مرا از شیطان رجیم در پناه خود دار و از آسیب هر کس از پریان و آدمیان که به خلاف رسول تو و اهل بیت او برخاسته، پناه ده.

پیامبران علیهم السلام یکی از نعمت‌های خداوند برای هدایت و تکامل انسان هستند.^{۴۳} حضرت محمد صلی الله علیه و آله به عنوان آخرین پیامبر، نعمتی ویژه است که امت‌های پیشین از چنین نعمتی بی‌بهره بودند.^{۴۴} پس از برانگیخته شدن رسولان، برخی آنها را تکذیب کردند؛ ولی درست‌کاران با اشتیاق به سوی ایشان جذب شدند:

اللَّهُمَّ وَاتَّبَاعِ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ مُعَارَضَةِ الْمُعَانِدِينَ لَهُمْ بِالتَّكْذِيبِ وَ الْإِشْتِاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ الْإِيْمَانِ.^{۴۵}

بارالها و پیروان انبیا و تصدیق‌کنندگان ایشان از مردم روی زمین که تصدیقشان از عمق قلب بود، آن هم به وقتی که دشمنان به جهت معارضه در مقام تکذیب آنان برآمدند؛ ولی مؤمنان به سبب حقایق ایمانیه مشتاقانه به انبیا روی آوردند ... (مغفرت و رضوانت را بر آنها نازل کن.)

۴۱. ن. کد همان، دعای ۴۷ و ۴۸.

۴۲. همان، دعای ۲۳، ص ۱۱۴.

۴۳. ن. کد همان، دعای ۴۵، ص ۱۹۴.

۴۴. همان، دعای ۲، ص ۳۴: وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ، بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا تَعْجِزُ عَنْ شَيْءٍ وَإِنْ عَظُمَ وَلَا يَفُوتُهَا شَيْءٌ وَإِنْ لَطُفَ.

۴۵. همان، دعای ۳، ص ۴۰.

یکی از درخواست‌های مؤمنان از آفریدگار، افزون بر ایمان و توحید، تبعیت از پیامبر و جانشینان ایشان است:

اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ وَ الْإِيْمَانِ بِكَ وَ التَّصْدِيقِ
بِرَسُولِكَ وَ الْأُمَّةِ الَّذِينَ حَتَمَتْ طَاعَتَهُمْ مِمَّنْ يُجْرَى ذَلِكُ بِهِ وَ
عَلَى يَدَيْهِ. ٤٦

بارالها، و مرا از اهل توحید و ایمان به خود و تصدیق پیامبرت و امامانی که طاعتشان را واجب کرده‌ای قرار ده، از جمله کسانی که توحید و ایمان به سبب آنان و بر دست آنان اجرا می‌شود.

امام زین العابدین علیه السلام با اشاره به نیاز مردم به هدایت‌گری امامان علیهم السلام، انسان‌ها را ملزم به طاعت ولی خدا دانسته و در قالب دعا، مردم را از مخالفت با امام بر حذر می‌دارند:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ آيَدَتِ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عَلَمَاً لِعِبَادِكَ وَ
مَنَارًا فِي بِلَادِكَ؛ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَ جَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ
إِلَى رِضْوَانِكَ وَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ وَ حَذَرْتَ مَعْصِيَتَهُ وَ أَمَرْتَ بِامْتِثَالِ
أَوَامِرِهِ وَ الْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ وَ الْإِلَّا يَتَقَدَّمُهُ مُتَقَدِّمٌ وَ لَا يَتَأَخَّرُ عَنْهُ
مُتَأَخِّرٌ. فَهُوَ عِصْمَةٌ لِللَّاؤِثِينَ وَ كَهْفٌ الْمُؤْمِنِينَ وَ عُرْوَةٌ
الْمُتَمَسِّكِينَ وَ بَهَاءُ الْعَالَمِينَ. ٤٧

خداوندا تو در هر زمان دینت را به سبب رهبری بر حق تأیید کردی و او را نشانه‌ای برای بندگان و مشعلی فروزان در شهرهایت بیا داشتی؛ پس از آن که ریسمان او را به ریسمان خود وصل کردی و او را سبب دستیابی به رضای خود ساختی و طاعتش را بر همه واجب نمودی و از نافرمانی‌اش بیم دادی و به اطاعت دستوراتش و بازایستادن از نواهی‌اش و پیشی‌نجستن بر او و واپس‌نماندن از حضرتش فرمان دادی. پس او پناه پناهندگان و ملجأ اهل ایمان و دستاویز چنگ‌زندگان و جمال جهانیان است.

٤٦. همان، دعای ٤٨، ص ٢٣٨.

٤٧. همان، دعای ٤٧، ص ٢١٨.

«مخالفت با فرستادگان الهی» یکی از موانع پیشرفت معنوی شمرده می‌شود. امام سجّاد علیه السلام از کسانی که با انبیا و اوصیا مخالف می‌کنند، اظهار بیزاری کرده و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله را نعمتی نیازمند شکر دانسته‌اند. ایشان از خدا می‌خواهد که تصدیق فرستادگان الهی را نصیب فرماید و معصیت ایشان را دور گرداند.

۵. استکبار در برابر خدا

«استکبار» به معنای امتناع از پذیرش حق، از روی عداوت و دشمنی است.^{۴۸} استکبار در برابر خدا یکی از موانع پیشرفت معنوی محسوب می‌شود. بر پایه فرمایش امام سجّاد علیه السلام انسان باید از گردن کشی و ایستادن در برابر پروردگار دست برداشته و بداند که بدون نیروی قدرت او نمی‌تواند به زندگی ادامه دهد.^{۴۹} استکبار در برابر خداوند می‌تواند شرک،^{۵۰} تکذیب آیات الهی،^{۵۱} روی گردانی از عبادت،^{۵۲} تکذیب قرآن،^{۵۳} محرومیت از بهشت^{۵۴} و ترس^{۵۵} را در فرد و جامعه به وجود آورده و مانع از رشد معنوی شود.

امام زین العابدین علیه السلام از استکبار در برابر خداوند، بیزاری می‌جویند و از اصرار بر گناه در کنار استکبار یاد می‌کنند:

وَ اَنَا اَبْرُءُ اِلَيْكَ مِنْ اَنْ اَسْتَكْبِرَ وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ اَنْ اُصِرَّ وَ اَسْتَغْفِرُكَ
لِمَا قَصَّرْتُ فِيهِ وَ اَسْتَعِينُ بِكَ عَلٰى مَا عَجَزْتُ عَنْهُ.^{۵۶}

و من در برابر تو بیزاری می‌جویم از اینکه سرکشی کنم و به تو پناه می‌برم از اینکه بر گناه اصرار ورزم و برای آن چه در آن کوتاهی ورزیده‌ام طلب آمرزش دارم و بر آن چه از انجامش فرومانده‌ام از تو درخواست یاری می‌کنم.

۴۸. ن. کذ لسان العرب، ج ۵، ص ۱۲۶.
 ۴۹. ن. کذ الصحیفة السجّادیه، دعای ۴۷، ص ۲۲۸.
 ۵۰. ن. کذ المنافقون، ۵.
 ۵۱. ن. کذ لقمان، ۷.
 ۵۲. ن. کذ النساء، ۱۷۲.
 ۵۳. ن. کذ المدثر، ۱۶.
 ۵۴. ن. کذ الاعراف، ۸۸.
 ۵۵. ن. کذ یونس، ۸۳.
 ۵۶. الصحیفة السجّادیه، دعای ۱۲، ص ۶۶.

امام سجاده علیه السلام می‌خواهد تا انسان از طغیان دور شده و دچار انکار حق نگردد:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَجَنِّبْنَا الْإِلْحَادَ فِي تَوْحِيدِكَ وَ
التَّقْصِيرَ فِي تَمَجِيدِكَ وَالشَّكَّ فِي دِينِكَ وَالْعَمَى عَنِ سَبِيلِكَ وَ
الإِغْفَالَ لِجُرْمَتِكَ وَالْإِنْخِدَاعَ لِعَدُوِّكَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.^{۵۷}

بارالها بر محمد و آلش درود فرست و ما را از انحراف در توحیدت و کوتاهی
در ستایش حضرتت و شک در دینت و کوری از راهت و بی‌توجهی به
حرمتت و گول خوردن از دشمنت شیطان رانده شده، دور ساز.

«الحداد» به معنای برگشت و عدول از دین الهی است^{۵۸} و «ملحد» کسی است که از حق خارج و به
باطل وارد شود.^{۵۹} ملحدان به خاطر شناخت حق و عدول از آن، بدترین مستکبران هستند.

برخی بندگان در برابر ذات خدا استکبار ندارند؛ اما معصیت و کفران نعمت می‌کنند. این رفتار اگر از
روی استکبار باشد، قهر الهی را به دنبال خواهد داشت. امام علیه السلام در یکی از دعاهایشان راهی را برای
بندگان گنه کار باز می‌کند تا آنها گرفتار استکبار نشوند:

اللَّهُمَّ وَ أَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَ بَعْدَ
خَلْقِكَ أَيَّاهُ، فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَدَيْتَهُ لِدِينِكَ وَ وَفَّقْتَهُ لِحَقِّكَ وَ عَصَمْتَهُ
بِحَبْلِكَ وَ ادْخَلْتَهُ فِي حَزْبِكَ وَ أَرَشَدْتَهُ لِمَوَالِئِهِ أَوْ لِيَأِيكَ وَ مُعَادَاةِ
أَعْدَائِكَ. ثُمَّ أَمَرْتَهُ فَلَمْ يَأْتِمِرْ وَ زَجَرْتَهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ وَ مَهَيْتَهُ عَنِ
مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى مَهْيِكَ، لَا مُعَانَدَةَ لَكَ وَ لَا اسْتِكْبَارًا
عَلَيْكَ.^{۶۰}

بارالها و من آن بنده‌ای هستم که قبل از آفریدنش و پس از خلقتش بر او
انعام فرمودی و او را از جمله کسانی قرار دادی که به آیین خود رهبری

۵۷. همان، دعای ۴۴، ص ۱۹۰ و نیز ن. کذ دعای ۴، ص ۴۴.

۵۸. ن. کذ الصحاح، ج ۲، ص ۵۳۴.

۵۹. ن. کذ تاج العروس، ج ۵، ص ۲۳۷.

۶۰. الصحیفة السجادية، دعای ۴۷، ص ۲۲۰.

نمودی و برای ادای حقّ خویش توفیق داری و او را بارisman خویش نگاه داشتی و در حزب خود وارد کردی و به دوست‌داری دوستانت و دشمنی دشمنانت رهنمون شدی. و با این همه به او دستور دادی، ولی اطاعت نکرد و نهی فرمودی، اما باز نایستاد و از نافرمانی خود بر حذرش داشتی، ولی پس از امر تو به سوی نهیت شتافت؛ نه از باب دشمنی با تو و نه از جهت گردن‌کشی در برابر تو.

سید العابدین علیه السلام از خدا می‌خواهد که با شناخت او و نعمت‌هایش، از رفتاری که موجب ناخشنودی او گردد، دور شود و به جای استکبار، به مقام انقیاد در پیشگاه خدا برسد:

وَلَا تَسْمُنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَةِ عَمَّا تَخَيَّرْتَ فَانْغَوِطْ قَدْرَكَ وَ نَكَرَةَ مَوْضِعَ رِضَاكَ وَ نَجْنَحَ إِلَى الَّتِي هِيَ أَبْعَدُ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَةِ وَ أَقْرَبُ إِلَى ضِدِّ الْعَاقِبَةِ. حَبِّبْ إِلَيْنَا مَا نَكَرَهُ مِنْ قَضَائِكَ وَ سَهِّلْ عَلَيْنَا مَا نَسْتَصْعَبُ مِنْ حُكْمِكَ وَ أَلْهَمْنَا الْإِنْقِيَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيئِكَ حَتَّى لَا نُحِبَّ تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ وَ لَا تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا نَكَرَةَ مَا أَحْبَبْتَ وَ لَا نَتَّخِيزَ مَا كَرِهْتَ. ٦١

و ما را دچار فروماندگی از معرفت آن چه برایمان آورده‌ای مکن که قدر حضرتت را سبک انگاریم و مورد رضای تو را ناپسند داریم و به چیزی که از حسن عاقبت دورتر و به خلاف عافیت نزدیکتر است میل پیدا کنیم. آن چه را از قضای خود که ما از آن اکراه داریم محبوب قلیمان کن و آن چه را از حکم تو سخت می‌پنداریم بر ما آسان ساز و گردن‌نهادن به آن چه از مشیت و اراده‌ات بر ما وارد آورده‌ای بر ما الهام فرما تا تأخیر آن چه را تعجیل فرمودی و تعجیل آن چه را به تأخیر انداختی دوست نداریم و هر آن چه محبوب‌توست ناپسند ندانیم و آن چه را تو نمی‌پسندی انتخاب نکنیم.

صحیفه سجّادیه به آثار استکبار در برابر خدا پرداخته و هلاکت و شقاوت،^{۶۲} بی‌اهمیتی و زبونی در برابر خدا،^{۶۳} محرومیت از رحمت و نعمت الهی،^{۶۴} فقر، پستی و خواری دنیا و آخرت^{۶۵} و شکست در همه مراحل زندگی^{۶۶} را از عواقب چنین رفتاری می‌شمرد.^{۶۷}

«شرک» نیز یکی مصادیق استکبار است. این موضوع در صحیفه سجّادیه، فرازهای متعددی را به خود، اختصاص داده و نشان از آن دارد که بسیاری از بندگان و حتی مؤمنان دچار آن می‌شوند.^{۶۸} امام سجّاد علیه السلام از استکبار در برابر خدا اظهار بیزاری کرده‌اند. ایشان، اصرار بر گناه، طغیان در برابر اوامر الهی و شرک را از مصادیق استکبار دانسته و هلاکت و شقاوت، خواری و بی‌ارزش شدن در پیشگاه خدا، شکست، محرومیت از نعمت‌ها، فقر و ذلت دنیا و آخرت از آثار آن می‌شمردند.

۶. شیطان^{۶۹}

امام سجّاد علیه السلام در دعاهای گوناگون، به ویژه «دعای هفدهم» صحیفه سجّادیه به موضوع «شیطان» پرداخته‌اند. در این کتاب دو گونه فعالیت شیطانی برای جلوگیری از پیشرفت معنوی معرفی شده است. یکی تلاش شیطان برای ایجاد انحراف فکری - عقیدتی و دیگری تلاش او برای انحراف رفتاری است.^{۷۰}

شیطان مسیر حق را تاریک نشان می‌دهد تا انسان را گمراه کند:

وَلَوْلَا أَنَّهُ صَوَّرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِي مِثَالِ الْحَقِّ مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقِكَ
ضَالًّا.^{۷۱}

اگر شیطان، باطل را در نظرشان به صورت حق جلوه ندهد، هیچ گمراهی از راه تو منحرف نشود.

۶۲. ن. کذ دعای ۳۷، ص ۱۶۶ و دعای ۱، ص ۳۲.
۶۳. ن. کذ دعای ۴۷، ص ۲۲۶ و دعای ۵۲، ص ۲۵۴.
۶۴. ن. کذ دعای ۲۰، ص ۹۶ و دعای ۱۳، ص ۷۰.
۶۵. ن. کذ دعای ۲۹، ص ۱۳۴ و دعای ۵۴، ص ۲۵۸.
۶۶. ن. کذ دعای ۲۸، ص ۱۳۴.
۶۷. ن. کذ الصّحیفة السّجّادیة، دعای ۲۱، ۴۵ و ۵۱.
۶۸. ن. کذ همان، دعای ۱، ۲، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۶، ۳۹، ۴۲، ۴۴، ۴۷، ۴۹ و ۵۲.
۶۹. مقاله «راه کارهای مقابله با شیطان در صحیفه سجّادیه»، چاپ شده در مجموعه مقالات همایش بین المللی امام سجّاد علیه السلام، جلد ۲ و مقاله «تأثیر شیطان بر انسان در تطبیق گزاره‌های صحیفه سجّادیه با قرآن کریم»، چاپ شده در مجله حدیث حوزه، شماره ۹، از نگارنده، با این موضوع مرتبط است. این بخش از مقاله کنونی، تلخیصی از مقاله یادشده دوم است.
۷۰. «انحراف» به معنای عدول و کج شدن از شیء یا مسیر است؛ در اینجا، منظور، تلاش شیطان برای گمراهی انسان و عدول از طریق الهی است. (ن. کذ جمهرة اللّغة، ج ۱، ص ۵۱۷)
۷۱. الصّحیفة السّجّادیة، دعای ۳۷، ص ۱۶۴.

او با شبهه‌افکنی^{۷۲} تلاش می‌کند تا انسان را از مسیر درست خارج نماید:

وَيَنْصِبُ لَنَا بِالشُّبُهَاتِ. ۷۳

و برای ما شبهه‌ها برپا می‌کند.

وی عامل اصلی سوء ظن به خدا و ضعف یقین انسان‌هاست:

حَتَّىٰ إِذَا احْتَجَّتْ إِلَىٰ رِزْقِكَ ... قَدْ مَلَكَ الشَّيْطَانُ عِنَانِي فِي سَوْءِ

الظَّنِّ وَ ضَعْفِ الْيَقِينِ. ۷۴

تا این که محتاج روزی تو شدم ... شیطان مهارم را در بدبینی و ضعف یقین به دست گرفته است.

امام سجاده^{علیه السلام} وعده‌دهی را از ابزار شیطان می‌شمردند؛ وعده‌هایی که جامه عمل نمی‌پوشد:

إِنْ وَعَدْنَا كَذَبْنَا وَإِنْ مَنَّا أَحْلَفْنَا. ۷۵

اگر به ما وعده و نوید دهد (به کار خیر و نیکی بخواند)، دروغ می‌گوید و اگر ما را به آرزو سرگرم نماید، خلاف آن می‌کند.

فریب‌کاری شیطان، زمینه را برای گناه انسان فراهم می‌کند:

فَلَوْلَا أَنَّ الشَّيْطَانَ يَخْتَدِعُهُمْ عَنْ طَاعَتِكَ مَا عَصَاكَ عَاصِي. ۷۶

اگر شیطان، ایشان را از طاعتت نفریبید، هیچ عصیان‌گری تو را معصیت نکند.

از ترفندهایی که شیطان برای انحراف فکری بندگان و سوق آن‌ها به سوی گناه در اختیار دارد، آسان نشان دادن عذاب الهی است. او با این کار، تهووری دروغین برای بندگان ایجاد می‌کند و در برابر، آنها را از اموری موهوم می‌ترساند:

۷۲. «شبهه» به معنای پوشیده و مشتبه‌شدن مسیر است. (ن. کد مجمع البحرين، ج ۶، ص ۳۵۰)

۷۳. الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ، دعای ۲۵، ص ۱۲۲.

۷۴. همان، دعای ۳۲، ص ۱۵۲.

۷۵. همان، دعای ۳۱، ص ۱۴۰.

۷۶. همان، دعای ۳۷، ص ۱۶۳.

يُؤْمِنُنَا عِقَابَكَ وَ يُخَوِّفُنَا بِغَيْرِكَ. ٧٧

ما را از کیفر تو ایمن می‌سازد و از غیر تو می‌ترساند.

او با زیباسازیِ معصیت و سخت جلوه‌دادن طاعت، انسان را از مسیر طاعت دور کرده و به گناه می‌کشاند:

أَوْ أَنْ يَحْسِنَ عِنْدَنَا مَا حَسَّنَ لَنَا، أَوْ أَنْ يَثْقُلَ عَلَيْنَا مَا كَرَّهَ إِلَيْنَا. ٧٨

یا خوب دانستن چیزی که آن را در نظرمان نیکو جلوه داده، یا گران دانستن چیزی که نزد ما زشت نشان داده است.

کار دیگر شیطان برای رنجاندن انسان، سرزنش او پس از انجام گناه است. وی انسان را از مسیر هدایت خارج کرده و سپس از رفتار آدمی بیزار می‌گردد و خود را خداترس معرفی می‌کند:

اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ شَمِتَ بِنَا إِذْ شَايَعَنَا عَلَى مَعْصِيَتِكَ. ٧٩

الهی، چون در نافرمانی‌ات او را همراهی کردیم، شیطان ما را سرزنش می‌کند.

شیطان با وسوسه، ابتدا موجب کوتاهی انسان در اعمال نیک می‌شود:

وَإِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ تَبَطَّنَا عَنْهُ. ٨٠

چون به عمل صالح رو کنیم، ما را از آن باز می‌دارد.

سپس انسان را به سمت گناه، ترغیب می‌کند:

هَذَا مَقَامٌ ... وَ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ ... وَ تَعَاطَى مَا هَمَيْتَ عَنْهُ

تَغْيِيرًا. ٨١

این جایگاه کسی است که ... شیطان بر او چیرگی یافته و آنچه را نپسندید، از روی غرور و فریفته‌شدن انجام داده است.

۷۷. همان، دعای ۲۵، ص ۱۲۲.

۷۸. همان، دعای ۱۷، ص ۸۶.

۷۹. همان، دعای ۱۰، ص ۶۲.

۸۰. همان، دعای ۲۵، ص ۱۲۲.

۸۱. همان، دعای ۳۱، ص ۱۴۰.

آن‌گاه انسان را وارد وادی شهوت می‌نماید:

يَتَعَرَّضُ لَنَا بِالشَّهَوَاتِ. ۸۲

ما را به خواهش‌ها و شهوات می‌طلبد.

پس از آن به انسان برای انجام گناه، کمک می‌کند: ۸۳

وَ اَعَانَهُ عَلٰى ذٰلِكَ عَدُوُّكَ وَ عَدُوُّهُ. ۸۴

دشمن تو و دشمن او، وی را در این زمینه (گناه) کمک کرد.

امام سجّاد علیه السلام تاریک‌نشان‌دادن مسیر حق، شبهه‌افکنی، ایجاد بدگمانی به رازقیت خدا، وعده‌های دروغ، ایمنی‌دادن از عذاب، ترساندن از غیر خدا، زیباسازیِ معصیت، سخت‌جلوه‌دادن طاعت، سرزنش انسان، وسوسه‌کردن، یاری‌هوای نفس، ایجاد سستی در انجام عمل صالح و فریب‌کاری برای انجام معصیت را از نقشه‌های شیطان برای مانع‌تراشی در راه رشد انسان می‌شمردند.

۷. غفلت

«غفلت» یعنی حالتی که انسان به جهت اشتغال به امری فرعی، از موضوعی اصلی بازماند. غفلت در امور معنوی سبب سقوط، ۸۵ بازماندن از وظایف، ۸۶ خودبزرگ‌بینی، ۸۷ ظلم به خویشتن ۸۸ و شرک‌ورزی ۸۹ بوده و به همین جهت یکی از موانع پیشرفت معنوی فرد و جامعه محسوب می‌شود.

امام سجّاد علیه السلام در فرازهای مختلف صحیفه به این موضوع پرداخته ۹۰ و از خدا می‌خواهد تا انسان را دچار این گرفتاری نکند:

وَ لَا تَسْمِنَا الغَفْلَةَ عَنكَ. ۹۱

و ما را گرفتار غفلت از خود مکن.

۸۲ همان، دعای ۲۵، ص ۱۲۲.
۸۳ ن. کذ الزخرف، ۳۶ و آل عمران، ۱۵۵.
۸۴ الصّحیفه السّجّادیه، دعای ۴۷، ص ۲۲۱.
۸۵ ن. کذ الانعام، ۱۳۱.
۸۶ ن. کذ المؤمنون، ۵۳.
۸۷ ن. کذ الاعراف، ۱۴۶.
۸۸ ن. کذ الانبیاء، ۹۷.
۸۹ ن. کذ المؤمنون، ۸۴.
۹۰ ن. کذ الصّحیفه السّجّادیه، دعای ۲۰، ۲۲، ۴۵ و ۴۷.
۹۱ همان، دعای ۳۴، ص ۱۵۶.

ایشان از فرورفتن به خواب غفلت به خدا پناه می‌برد:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ... سِنَةِ الْغَفْلَةِ.^{۹۲}

بارخدا، به تو پناه می‌برم از خواب غفلت.

کسی که در تعظیم پروردگار و رعایت حرمت او کوتاهی کند، دچار سهل‌انگاری شده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَجَنِّبْنَا ... الْإِغْفَالَ الْجُرْمِيَّكَ.^{۹۳}

بارخدا، درود بفرست بر محمد و خاندان او و ما را از بی‌توجهی به حرمت دور ساز.

کسانی که به تن‌پروری روی آورده‌اند، نمونه‌ای از غافلان هستند:

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سَأَلَ مَنْ ... بَدَنُهُ غَافِلٌ لِسُكُونِ عُرْوِقِهِ.^{۹۴}

ای مولای من، از تو می‌خواهم، همانند کسی که جسمش به سبب تن‌پروری غافل است.

غفلت نیز مانند گناهان دیگر قابل توبه و جبران است:

إِنْ تُعَذِّبْ فَآنَا الظَّالِمُ الْمَفْرُطُ الْمُضَيِّعُ الْآئِمُّ الْمُقَصِّرُ الْمُضَجِّعُ

الْمُغْفَلُ حَظَّ نَفْسِي وَإِنْ تَغْفِرْ فَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.^{۹۵}

اگر مرا عذاب کنی من آنم که بر خود ستم روا داشتیم و از حد و مرز خود پای بیرون نهادم و فرمانت را چنان که باید مواظبت نکردم و از نصیب خویش از جانب تو غفلت ورزیدم و چنان چه مرا مورد آمرزش قرار دهی پس تو مهربان‌ترین مهربانانی.

امام زین العابدین علیه السلام از غفلت به خدا پناه برده و آن را موجب نابودی بندگان می‌دانند. ایشان بیداری

همه را از خداوند مسألت کرده و اشاره می‌کنند که راه توبه برای برداشتن این مانع بزرگ نیز باز است.

۹۲. همان، دعای ۸، ص ۵۶.

۹۳. همان، دعای ۴۴، ص ۱۹۰.

۹۴. همان، دعای ۵۲، ص ۲۵۶.

۹۵. همان، ص ۲۵۳.

۸. خودپسندی و فخرفروشی

انسان جاهل در برابر رفاه دنیایی دیگران دو رویکرد دارد. اگر فرد مقابل، دارا باشد، دچار حسادت می‌گردد و اگر ندار باشد، به «خودپسندی» گرفتار می‌شود. عجب، باعث گمراهی،^{۹۶} هلاکت،^{۹۷} کفر، نفاق و گرفتاری در جهنم^{۹۸} می‌گردد. صحیفه سجّادیه با اشاره به هر دو گروه، چنین روحیه‌ای را غلط شمرده است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ لَا تَفْتِنَنِي بِمَا أَعْطَيْتَهُمْ وَ لَا تَفْتِنَهُمْ بِمَا مَنَعْتَنِي فَأَحْسُدَ خَلْقَكَ وَ أَغْمَطَ حُكْمَكَ.^{۹۹}

بارالها بر محمد و آلش درود فرست و مرا به سبب آن چه به آنان مرحمت فرمودی، آزمایش مکن و ایشان را به آن چه از من بازداشته‌ای نیازمندی تا مبدا به آنان حسد برم و حکم حضرتت را سبک شمارم.

یکی از ریشه‌های فخرفروشی، خودبزرگ‌بینی است. امام سجّاد علیه السلام، در امان ماندن از فخرفروشی را از خدا درخواست می‌کند:

وَ اعصمني مِنَ الْفَخْرِ.^{۱۰۰}

از فخرفروشی محافظتم کن.

تحقیر کسانی که از حیث مادی پایین‌تر هستند و در برابر، بزرگ داشتن کسانی که ثروت بیشتری دارند، کاری ناپسند است که امام علیه السلام در پیشگاه الهی بازداشته شدن از این رفتار را مسألت می‌کند:

وَ اعصمني مِنْ أَنْ أَظُنَّ بِذِي عَدَمٍ خَسَاسَةً أَوْ أَظُنُّ بِصَاحِبِ ثَرَوَةٍ

فَضْلًا، فَإِنَّ الشَّرِيفَ مِنْ شَرَفْتِهِ طَاعَتِكَ وَ الْعَزِيزَ مِنْ أَعَزَّتِهِ

عِبَادَتِكَ.^{۱۰۱}

۹۶. ن. کد بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۶۰.

۹۷. ن. کد تحف العقول، ص ۴۸۰.

۹۸. ن. کد آثار الصادقین، ج ۱۲، ص ۳۸۷.

۹۹. الصّحيفة السّجّادية، دعای ۳۵، ص ۱۵۸.

۱۰۰. همان، دعای ۲۰، ص ۹۲.

۱۰۱. همان، دعای ۳۵، ص ۱۵۸.

و مرا از خوار نگرستن تهی دست و برتر گمان کردن ثروتمند حفظ فرما، چه آن که شریف آن است که طاعت تو او را شریف نموده و عزیز، کسی است که عبادت تو او را عزت داده.

امام سجّاد علیه السلام از خودستایی ثروت‌مندان و کوچک شمردن نیازمندان و بدرفتاری با کم‌توانان به خدا پناه می‌برد:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ... مُبَاهَاةِ الْمُكْثَرِينَ وَ الْإِزْرَاءِ
بِالْمُقْتَلِينَ وَ سُوءِ الْوِلَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ أَيْدِينَا. ۱۰۲

بارخدا یا به تو پناه می‌آورم از فخر و مباهات با ثروتمندان و تحقیر تهی‌دستان و کوتاهی در حق زبردستان خود.

مالی که سبب گمراهی و یا خودپسندی انسان شود، مایه بدبختی او بوده و چنین رفاهی شایسته مؤمن نیست:

إِزْوِ عَنِّي مِنَ الْمَالِ مَا يُحْدِثُ لِي مَخِيلَةً أَوْ تَأْدِيًا إِلَى بَغْيٍ أَوْ مَا اتَّعَقَبُ
مِنْهُ طُغْيَانًا. ۱۰۳

ثروتی که مرا به کبر و خودبینی آلوده کند، یا به ستم بکشاند، یا از مرز عبادت و ادب درگذراند از من دور کن.

گاهی خودپسندی در امور معنوی پدید می‌آید. در این حالت، شخص خود را در تقوا و مقام، بالاتر می‌بیند. امام زین العابدین علیه السلام از چنین حالی به خدا پناه می‌برد:

وَ نَعُوذُ بِكَ ... أَنْ نُعْجِبَ بِأَعْمَالِنَا. ۱۰۴

بارخدا یا، به تو پناه می‌بریم، در کردارمان خودپسندی نماییم.

۱۰۲. همان، دعای ۸، ص ۵۶.

۱۰۳. همان، دعای ۳۰، ص ۱۳۸.

۱۰۴. همان، دعای ۸، ص ۵۶.

این خیال، عبادت انسان را باطل می‌کند:

وَلَا تَبْتَلِيْنِي بِالْكِبْرِ وَ عِبْدَنِي لَكَ وَ لَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ. ۱۰۵

گرفتار کبرم مفرما و بر بندگی‌ات رامم ساز و بندگی‌ام را به آلودگی خودپسندی تباه مکن.

در صحیفه سجّادیه خودپسندی و فخرفروشی بسیار ناپسند شمرده شده است؛ چه در امور مادی و چه در امور معنوی. این دو روحیه نادرست، عبادت انسان را باطل کرده و او را به طغیان می‌کشاند.

۹. پیروی از نفس

«هوای نفس» یکی دیگر از موانع پیشرفت انسان در عرصه معنویت است. هوای نفس منشأ ظلم و بی‌عدالتی،^{۱۰۶} مانع رشد و کمال^{۱۰۷} و باعث گمراهی^{۱۰۸} است. امام سجّاد علیه السلام انسان‌ها را از پیروی هوای نفس بر حذر داشته^{۱۰۹} و از آن به خدا پناه می‌برد:

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ ... مُتَابَعَةِ اَهْوٰى. ۱۱۰

بارخدا، به تو پناه می‌برم از پیروی هوا و هوس.

ایشان از خدا می‌خواهد تا بین او و هوای نفس، حائلی قرار دهد:

وَ حُلِّ بَيْنِيْ وَ بَيْنَ ... هَوٰى يُّوْبِقُنِيْ. ۱۱۱

و بین من و هوسی که نابودم کند حایل شو.

۱۰۵. همان، دعای ۲۰، ص ۹۲.

۱۰۶. ن. كذ النساء، ۱۳۵.

۱۰۷. ن. كذ الاعراف، ۱۷۶.

۱۰۸. ن. كذ ص ۲۶.

۱۰۹. ن. كذ الصّحيفة السّجّادية، دعای ۵.

۱۱۰. همان، دعای ۸، ص ۵۶.

۱۱۱. همان، دعای ۴۷، ص ۲۳۶.

گاهی انسان نه از روی عناد، بلکه به خاطر امیال نفسانی، گناه می‌کند. چنین گناهی از روی هوای نفس است و انسان کمال‌جو را از پیشرفت باز می‌دارد.

ثُمَّ أَمَرْتَهُ فَلَمْ يَأْتِمِرْ وَ زَجَرْتَهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ وَ مَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ
فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَىٰ مَهْيِكَ، لَا مُعَانَدَةَ لَكَ وَ لَا اسْتِكْبَارًا عَلَيْكَ، بَلْ
دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَىٰ مَا زَيَّلْتَهُ وَ إِلَىٰ مَا حَذَرْتَهُ. ۱۱۲

و با این همه به او دستور دادی ولی اطاعت نکرد و نهی فرمودی اما باز نایستاد و از نافرمانی خود بر حذرش داشتی ولی پس از امر تو به سوی نهیت شتافت، نه از باب دشمنی با تو و نه از جهت گردن‌کشی در برابر تو، بلکه هوای نفس، وی را به آن چه تواش از آن راندی و ترساندی، کشاند.

سید العابدین علیه السلام از ضعف انسان به خدا شکایت کرده و بازماندن از مقام اولیای الهی، پیوند با دشمنان، غم و غصه و وسوسه را از نتایج ضعف نفس می‌شمرد:

أَشْكُو إِلَيْكَ يَا إِلَهِي ضَعْفَ نَفْسِي عَنِ الْمُسَارَعَةِ فِيهَا وَعَدَّتْهُ
أَوْلِيَاءُكَ وَالْمُجَانِبَةَ عَمَّا حَذَرْتَهُ أَعْدَاءُكَ وَ كَثْرَةَ هُمُومِي وَ وَسْوَسَةِ
نَفْسِي. ۱۱۳

خداوندا، از ضعف نفسم که نمی‌توانم در آن چه دوستانت را وعده داده‌ای پیشی گیرم و از آن چه دشمنانت را بر حذر داشته‌ای دوری کنم و از اندوه زیاد و وسوسه‌های نفس خود به حضرتت شکایت آورده‌ام.

یکی از گونه‌های دنباله‌روی هوای نفس، افتادن به گرداب شهوت جنسی است. صحیفه سجّادیه، انسان را از مطلق شهوت منع نمی‌کند؛^{۱۱۴} بلکه بهره‌گیری از آن در راه حرام را ممنوع می‌شمرد:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اكْبِرْ شَهْوَتِي عَنْ كُلِّ مُحْرَمٍ. ۱۱۵
بارالها بر محمد و آلش درود فرست و شهوتم را از هر حرامی در هم شکن
و میل شدید مرا از هر معصیتی بگردان.

۱۱۲. همان، ص ۲۲۰.

۱۱۳. همان، دعای ۵۱، ص ۲۵۲.

۱۱۴. ن. کت همان، دعای ۶، ص ۴۸.

۱۱۵. همان، دعای ۳۹، ص ۱۶۸.

شهوة حرام موجب نابودی دین،^{۱۱۶} دوری از رحمت الهی^{۱۱۷} و گمراهی^{۱۱۸} است. امام سجّاد علیه السلام از زیاده‌روی در شهوت به خدا پناه می‌برد:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ... إلْحَاحِ الشَّهْوَةِ.^{۱۱۹}

بارخدا، به تو پناه می‌برم از اصرار شهوت.

شهوترانی می‌تواند انسان را از پیشرفت و سعادت محروم کند:

و شَهَوَاتِي حَرَمَتْنِي.^{۱۲۰}

و شهواتم مرا محروم نموده.

در برخی فرازهای صحیفه سجّادیه شکوه‌هایی از هوای نفس به درگاه الهی وجود دارد. امام سجّاد علیه السلام «پیروی از هوای نفس» را موجب گناه دانسته و از آن به خدا پناه برده‌اند. ایشان آثاری مانند بازماندن از مقام اولیای الهی، پیوند با دشمنان و غم و غصّه را از علل ضعف نفس می‌دانند. شهوترانی مصداقی برای پیروی از هوای نفس است. امام سجّاد علیه السلام شهوت حرام را مانع پیشرفت انسان شمرده‌اند.

۱۰. آزار پدر و مادر

دعای بیست و چهارم صحیفه سجّادیه به موضوع «پدر و مادر» اختصاص دارد. نافرمانی از پدر و مادر اثرات نامطلوبی بر زندگی انسان می‌گذارد. محروم‌شدن از ملامت و عقوبت سریع در دنیا،^{۱۲۱} محرومیت از رحمت،^{۱۲۲} ذلت^{۱۲۳} و جهنم^{۱۲۴} بخشی از پیامدهای آزار پدر و مادر است.

امام سجّاد علیه السلام از خدا می‌خواهد تا ایشان را جزو کسانی که به والدین خود ستم کردند، قرار ندهد:

۱۱۶. ن. کنه غرر الحکم، ص ۴۰۲.

۱۱۷. ن. کنه النساء، ۲۳ تا ۲۷.

۱۱۸. ن. کنه مریم، ۵۹.

۱۱۹. الصّحیفة السّجّادیة، دعای ۸، ص ۵۶.

۱۲۰. همان، دعای ۵۲، ص ۲۵۶.

۱۲۱. ن. کنه الامالی (شیخ مفید)، ج ۱، ص ۲۳۷.

۱۲۲. ن. کنه همان، ص ۱۹۶.

۱۲۳. ن. کنه الخصال، ص ۱۹۵.

۱۲۴. ن. کنه مجمع البیان، ج ۵، ص ۴۰۹.

وَلَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ
بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ. ۱۳۵

و مرا در روزی که هر کس در برابر عملش جزا داده می‌شود و بر کس ستم
نرود، در شمار آن گروه که پدر و مادر را نافرمانی کرده‌اند، قرار مده.

رنج‌های بسیار پدر و مادر موجب می‌شود که اگر کسی همه عمر خویش را به احسان و خدمت ایشان
بگذراند، نتواند حقشان را ادا کند:

هَيْهَاتَ مَا يَسْتَوْفِيَانِ مِنِّي حَقَّهَا وَلَا أُدْرِكُ مَا يَجِبُ عَلَيَّ هُمَا وَلَا
أَنَا بِقَاضٍ وَظِيفَةً خِدْمَتَيْهَا. ۱۳۶

بدون شك بعيد است که بتوانند حق خود را از من دریافت دارند و من
نمی‌توانم حقوقی را که بر عهده‌ام دارند تدارک نمایم و وظیفه‌ی خدمت آنان
را به جای آورم.

نیایش بیست و پنجم صحیفه سجّادیه درباره فرزندان است. امام سجّاد علیه السلام از خدا می‌خواهد که
فرزندان را فرمان‌بر والدین کند:

مُطِيعِينَ غَيْرِ عَاصِينَ وَلَا عَاقِبِينَ وَلَا مُخَالِفِينَ وَلَا خَاطِبِينَ. ۱۳۷

فرمان‌برداران (ای خداوند، چنان کن که فرزندان من) فرمان‌برداران من
باشند نه عصیان‌گران و نه نافرمانان و نه مخالفان و نه خطاکاران.

امام سجّاد علیه السلام در پیشگاه الهی دوری از ستم به والدین و نافرمانی ایشان و ناخشنودیشان را مسألت
می‌کند. سید العابدین علیه السلام از خدا می‌خواهد تا فرزندان‌شان را مطیع امر ایشان گرداند؛ گویا که
ناخشنودی پدر و مادر، راه رشد را می‌بندد و فرزند را متوقّف می‌کند.

۱۲۵. الصّحيفة السّجّادية، دعای ۲۴، ص ۱۱۸.

۱۲۶. همان.

۱۲۷. ن. که همان، دعای ۲۵.

نتیجه

پیشرفت انسان نیازمند برنامه است که می‌توان آن را از دعاهای اهل بیت علیهم‌السلام استخراج کرد. پیش از برنامه‌ریزی باید مبانی معرفتی آن روشن شود. بخشی از این مبانی به شناخت موانع رشد اختصاص خواهد داشت. صحیفه سجّادیه ده مانع پیشرفت معنوی انسان را بیان کرده و امام سجّاد علیه‌السلام از آن بی‌زاری جسته‌اند. گناه، ترک توبه، ناامیدی از خدا، مخالفت با فرستادگان الهی، استکبار، شیطان، غفلت، خودپسندی و فخرفروشی، پیروی از هوای نفس و آزار پدر و مادر، ده مانعی است که امام زین العابدین علیه‌السلام معرفی کرده‌اند.

پیشنهاد‌های پژوهشی

۱. موانع پیشرفت مادی از منظر صحیفه سجّادیه
۲. عوامل پیشرفت مادی و معنوی انسان از منظر صحیفه سجّادیه

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. الصّحیفة السّجّادیه، امام سجّاد علیه‌السلام، قم، نشر الهدی، ۱۳۷۶ش.
۳. صحیفه سجّادیه، ترجمه آیتی، تهران، سروش، ۱۳۷۵ش.
۴. صحیفه سجّادیه، ترجمه علی‌نقی فیض الاسلام، تهران، نشر فقیه، ۱۳۷۶ش.
۵. صحیفه کامله سجّادیه، ترجمه حسین انصاریان، تهران، پیام آزادی، ۱۳۷۹ش.
۶. الامالی، محمّد بن محمّد مفید، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۷. آثار الصّادقین، صادق احسان‌بخش، رشت، ستاد برگزاری نماز جمعه، ۱۳۷۴ش.
۸. تاج العروس من جواهر القاموس، محمّد بن محمّد مرتضی زبیدی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
۹. تحف العقول عن آل الرّسول، حسن بن علی ابن شعبه حرّانی، قم، جامعه مدرّسین، ۱۳۶۳ش.
۱۰. جمهرة اللّغة، محمّد بن حسن ابن درید، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۸م.
۱۱. الخصال، محمّد بن علی ابن بابویه صدوق، قم، جامعه مدرّسین، ۱۳۶۲ش.

۱۲. سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، شیخ عباس قمی، قم، دار الاسوه، ۱۴۳۴ق.
۱۳. الصّاح، اسماعیل بن حمّاد جوهری، بیروت، دار العلم المالین، ۱۳۷۶ق.
۱۴. غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد بن محمّد تمیمی آمدی، قم، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۱۵. الفروق فی اللّغة، حسن بن عبدالله عسکری، بیروت، دار الآفاق الجدیة، ۱۴۰۰ق.
۱۶. لسان العرب، محمّد بن مکرم ابن منظور، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۱۷. مجمع البحرین، فخر الدّین بن محمّد طریحی، تهران، نشر مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۱۸. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۹. مجموعه مقالات همایش بین المللی امام سجّاد علیه السلام، قم، مجمع جهانی اهل بیت، ۱۳۹۴ش.
۲۰. مقاله تأثیر شیطان بر انسان در بررسی تطبیقی صحیفه سجّادیه با قرآن کریم، مجله حدیث حوزه، شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ش.
۲۱. مقاله عوامل پیشرفت از منظر قرآن کریم، مهدی رستم‌نژاد، مجله قرآن و علم، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ش.
۲۲. مقاله غلبه بر موانع موفقیت از دیدگاه قرآن و روایات، الهه سلیم زاده و محمّد حسین توانلی، مجله مطالعات قرآنی، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۳ش.
۲۳. مقاله قرآن کریم و راه کارهای توسعه و پیشرفت تمدن اسلامی، سید محمّد رضا علاء الدین، مجله کوثر، شماره ۴۴، پاییز ۱۳۹۱ش.
۲۴. مقاله مبانی و شاخص‌های رشد معنوی انسان در قرآن، محمّد قاسم‌پور، مجله پژوهش دینی، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۸۶ش.
۲۵. پایان‌نامه موانع پیشرفت انسان از منظر صحیفه سجّادیه و تطبیق آن با آیات قرآن، علی انجم شعاع، راهنمایی محمّد علی مجد فقیهی، مشاوره شهاب الدّین مشایخی، حوزه علمیه قم، سطح سه، ۱۳۹۶ش.